



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نقد و مناظره در مکتب امام صادق (ع)

مریم عابدی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت اسلامی)

شاغل در آموزش و پرورش پرورش ناحیه ۶ اصفهان

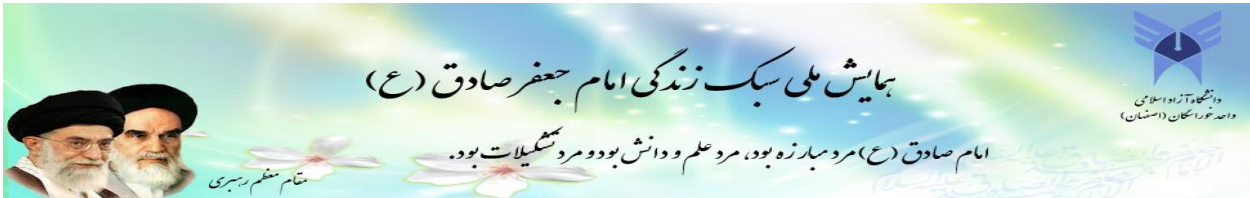
rke_am48@yahoo.com

چکیده:

بحث کردن، مناظره و جدل احسن را عقل سلیم می پذیرد؛ زیرا فواید بسیاری دارد و یکی از فایده های آن که بر عقلای عالم پوشیده نیست، این است که انسان عالم می تواند علمش را به دیگران منتقل نماید و انسان جاهل اگر معاند نباشد دارای علمی جدید می شود. سیره و روش پیامبران و خصوصاً پیامبر ختمی مرتبت هم بر طبق مقتضای عقل سلیم می باشد. و این مقاله به نقد و مناظره در مکتب امام صادق (ع) می پردازد.

مقدمه:

خداوند در قرآن می فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» ای پیامبر، با حکمت و اندرز نیکو مردم را به راه پروردگارت دعوت کن و با آن ها به روشی که نیکوتر است مناظره کن. (سوره نحل آیه ۱۲۶) (احتجاج طبرسی جلد ۱ صفحه ۶) پیامبر می فرماید: ما در تبلیغ دین خدا به زبان هفتاد پیامبر مجادله کننده ایم. امامان معصوم (ع) و فاطمه زهرا (س) که قرآن ناطق می باشند و به فرمان خدای تعالی (در سوره احزاب آیه ۲۱) لقد کان فی رسول الله اسوه حسنه مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است. به روش رسول خدا (ص) که یکی از آن راهها جدل احسن می باشد عمل کرده اند و در میان امامان شیعه امام صادق (ع) به مناسبت جایگاه زمانی خود مناظرات فراوانی انجام داده است که دغدغه در این جدلهای احسن ما را به سوی حقیقت رهنمود می نماید. امام صادق (ع) افراد مخصوصی از قبیل هشام بن



حکم و مومن طاق و را امر می فرمودند که با مخالفین بحث و گفتگو نمایند و آنهایی را که طالب هدایتند را هدایت کنند. کتابهای مناظره و احتجاجات پیامبران و ائمه معصومین و علمای طراز اول مذهب امامیه در این مختصر نمی گنجد. برای نمونه به احتجاج طبرسی در دو مجلد که ۱۳۷۰ صفحه است مراجعه کنید.

مناظرات امام صادق (ع):

مناظرات امام صادق (ع) با افراد بسیار و با عقاید و مذاهب گوناگون در علوم مختلف می باشد که چند نمونه از این مناظرات در رابطه با اثبات خدا، وحدانیت الله، حقانیت شیعه، جبر و اختیار و ... هستند.

زندیقی پرسید: چه دلیلی بر آفریننده عالم وجود دارد؟

امام صادق (ع) فرمود: افعال و کارهایی است که دلالت بر صانع آن می کند. مگر وقتی به ساختمان استوار مرتفعی می نگرید، ابتدا پی به سازنده آن - هر چند او را ندیده باشی - نمیبری؟

زندیق پرسید: او چیست؟

امام (ع) فرمود: او چیزی است خلاف اشیاء دیگر. به کلام سابق خود باز می گردم؛ او چیزی است که موجب اثبات خود است، او چیزی به حقیقت وجود است (یعنی صرف است. چیستی و ماهیت ندارد که می پرسی چیست).

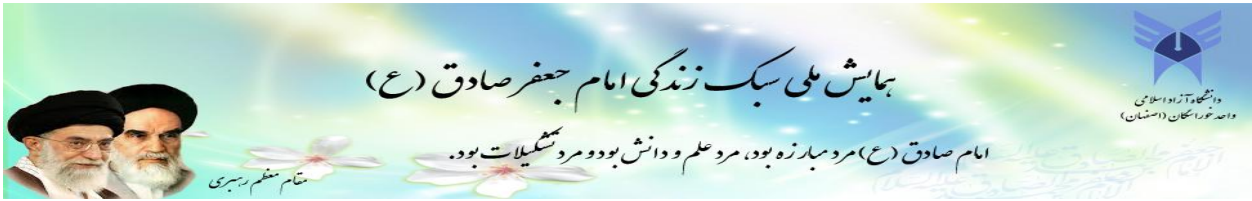
امام (ع) با نفی ماهیت از خدا راه اثبات و تنزیه را هموار کرد. (احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۸۷)

«خداوند بالا و پستی تویی ندانم چه ای هر چه هستی تویی»

(فردوسی)

امام صادق (ع) به زندیقی که منکر خدا بود فرمود: آیا می دانی که زمین زیر و بالایی دارد؟

گفت: خیر نمی دانم و یقین ندارم که چه چیزهایی در آنجاست ولی گمان می کنم آنجا چیزی (یعنی خدا) نباشد.



بهائیت ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری



حضرت فرمود: آیا به آسمان رفته ای؟

گفت: نه.

حضرت فرمود: آیا می دانی در آسمان ها چه چیز است؟

گفت: نه نمی دانم.

امام (ع) فرمود: من از تو تعجب می کنم که به مشرق و مغرب و زیر زمین و بالای آسمان ها نرفته ای و علم به آن ها نداری. چگونه به چیزی که علم نداری قضاوت می کنی و می گویی در آنجا چیزی (خدا) وجود ندارد.

زندیق گفت: تا به حال کسی با من اینگونه صحبت نکرده بود.

حضرت فرمود: پس تو در وجود خدا شک داری؟

گفت: بله. من در وجود خدا شک دارم.

حضرت دلایل مُتقن از خورشید و ماه و شب و روز بر وجود خدا آورد و آن زندیق ایمان آورد. (مازندرانی ج

۳ ص ۵)

در بحث و مناظره شخصی از امام صادق (ع) سوال کرد: چرا جائز نیست که خالق جهان بیش از یک نفر باشد؟

امام (ع) فرمود: سخن تو از دو حالت خارج نیست: یا هر دو قدیم باشند در حالیکه هر دو قوی باشند یا هر دو

ضعیف باشند یا اینکه یکی قوی و دیگری ضعیف باشد. در صورت اول اگر هر دو قوی باشند چرا یکی از آنها

دیگری را از بین نمی برد تا خودش پروردگار عالم باشد و اگر فکر میکنی یکی از آنها قوی و دیگری ضعیف

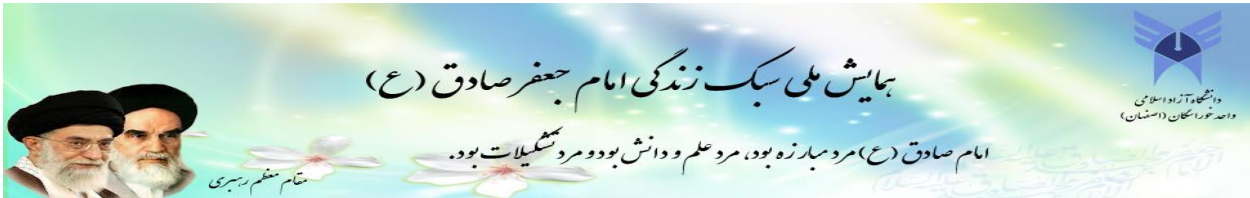
است آنکه ضعیف است خدا نیست و آنکه قوی است خداست و اگر هر دو ضعیف هستند که هیچکدام خدا

نیستند و اگر معتقدی که خدا دو تا است پس اگر از هر جهت یعنی از جمیع جهات متفق باشند که توحید اثبات

می گردد و اگر بگوئی دو خدا از هر لحاظ با هم تفاوت دارند عالم وجود که همه و همه بر یک نظم واحد می

باشند دلالت بر وجود مدبری واحد می کند زیرا اگر حتی در یک جهت با هم متفق نباشند از همان یک جهت

عالم فاسد و خراب می گردد و چون عالم فاسد و خراب نیست و دارای نظم است خدا یکی است. (برخی



بزرگان دلیل فوق را یکی از بهترین دلایل اثبات توحید ذات می دانند به شرط آنکه عمیقا در باره آن تفکر نمائیم)

امام صادق (ع) از ابوحنیفه پرسید: نظر تو در باره کسی که در احرام حج دندان نیش آهوئی را بشکند چیست؟
ابوحنیفه گفت: ای پسر دختر رسول خدا (ص) حکم شکستن دندان نیش آهو را در حالت احرام نمی دانم.

حضرت (ع) فرمود: (تو که نمی دانی آهو دندان نیش ندارد چگونه در بین مردم قضاوت می کنی)

امام صادق (ع) به ابوحنیفه فرمود: آیا تو در دین قیاس می کنی. گفت: بله من در دین قیاس می کنم خدا به شما سلامتی دهد. حضرت فرمود: از خدا بترس و با رای خودت در دین قیاس مکن زیرا اول کسی که قیاس کرد شیطان بود هنگامی که گفت من بهتر از آدم هستم پس در قیاس خود خطا کرد و گمراه شد..... حضرت فرمود: به من خبر بده به کلمه ای که اولش شرک و آخرش ایمان است.

ابوحنیفه گفت: نمی دانم.

امام جعفر صادق (ع) فرمود: آن کلمه لا اله الا الله است زیرا اگر کسی بگوید هیچ خدائی نیست سپس سکوت کند مشرک میشود. سپس امام (ع) فرمود: وای بر تو گناه آدم کشی نزد خدا بیشتر است یا زنا کردن.

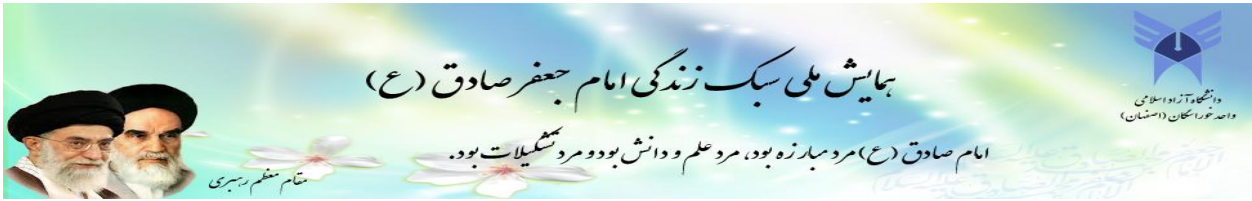
ابوحنیفه گفت: گناه آدم کشی بیشتر است.

امام صادق (ع) فرمود: پس چرا خدای تعالی برای قتل نفس دو شاهد ولی خواهد برای زنا کردن چهار شاهد میخواهد چگونه این مطلب قابل قیاس است؟

امام (ع) فرمود: نماز بالاتر است نزد خدا یا روزه؟

ابوحنیفه گفت: نماز بالاتر است.

امام (ع) فرمود: پس چرا زنان وقتی حیض می شوند باید قضای روزه خود را به جای آورند ولی نمازشان را نباید قضا کنند. ای بنده خدا تقوای الهی پیشه کن و با رای خودت در دین قیاس مکن فرای قیامت ما و کسانی



که با ما مخالفت کردند در مقابل خدای تعالی می ایستیم ما می گوئیم خدا و رسولش اینطور فرمودند و تو و اصحابت می گوئید چیزی شنیدیم و طبق رای خود فتوی دادیم و عمل کردیم و خدا همانطور که شایسته است در باره ما و شما داوری می کند. (فتوهای ابو حنیفه در کتب اهل سنت موجود است به کتاب تاریخ بغداد ذیل کلمه ابو حنیفه مراجعه کنید حدود ۸۰ صفحه در باره او بحث نموده است و در همین کتاب حياه الحيوان ج ۲ ص ۲۲۴ در ذیل کلمه قمری نماز خواندن به فتوای ابو حنیفه را نقل می کند از کتاب ابن خلکان و ابن اثیر که هر سه بزرگان اهل سنت هستند: ۱- با آب خرما وضو صحیح است. ۲- پوست سگ دباغی شده که نجاست به آن مالیده باشند را می توان در نماز پوشید. ۳- نیت لازم نیست. ۴- به جای حمد و سوره عربی می توان یک آیه به فارسی خواند یعنی بگوئیم دو برگ سبز ترجمه مدها متان در سوره الرحمن - وووووووو). (دمیری ج ۲ ص ۴)

امام صادق (ع) به حمران بن اعین و محمد بن نعمان و هشام بن سالم و قیس ماصر می فرماید: با مردی که از شام آمده بحث و مناظره می کنند و همگی او را محکوم می کنند بعد به هشام بن حکم که نوجوانی بود می فرماید با این شامی بحث کن.

هشام می پرسد آیا خدا دلیلی بر ما فرو فرستاده که حجت بر ما تمام شود؟

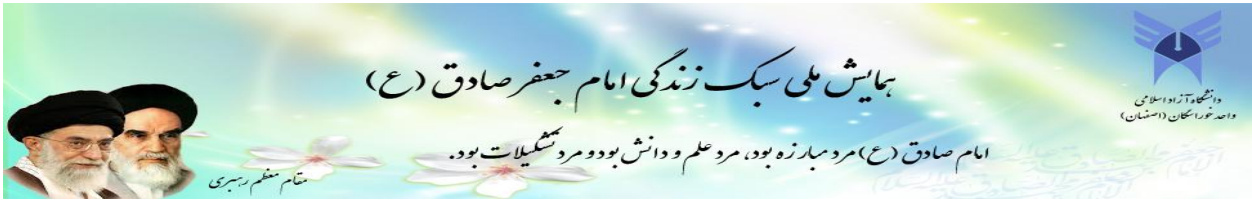
مرد شامی می گوید آری، آن دلیل و حجت رسول الله است.

هشام می پرسد بعد از رسول خدا (ص) حجت کیست؟

شامی گفت کتاب و سنت.

هشام می گوید: آیا کتاب و سنت برای رفع اختلاف کافی است و می تواند رفع اختلاف از میان ما کند و ما را متفق سازد؟

شامی می گوید: بلی، کتاب و سنت برای از بین بردن اختلاف برای ما بس است.



هشام گفت: پس چرا ما و تو اکنون با هم اختلاف داریم و گمان تو آن است که رای تو طریق دین خداست و من رای تو را قبول ندارم چگونه قول خدا مختلف شد در حالی که تو گفتی کتاب و سنت برای رفع اختلاف کافی است.

شامی در حالی که متفکر بود خاموش ماند.

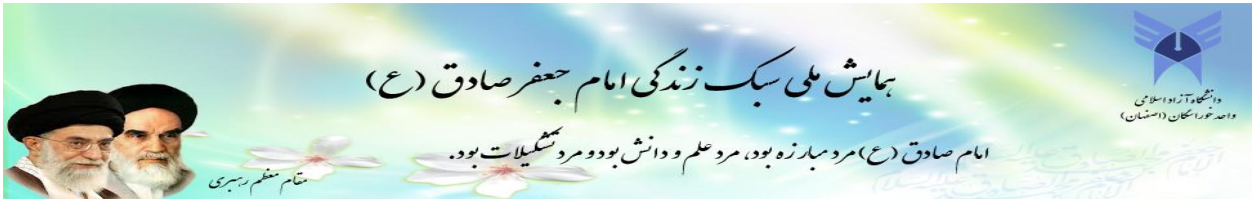
امام صادق (ع) فرمود: چرا صحبت نمی کنی؟

گفت اگر بگویم اختلاف نداریم که دروغ گفته ام و حرف غلطی زده ام و اگر ادعا کنم که کتاب و سنت اختلاف را از میان من و شما برداشته است باطل گفته ام. (پس از آن هشام برای او ثابت کرد یگانه چیزی که اختلاف را از بین می برد امام معصوم (ع) است و او شیعه شد)

ابوحنیفه با امام صادق (ع) غذا می خورد وقتی امام (ع) دست از غذا کشید گفت الحمدلله رب العالمین ، خدایا این نعمت از تو و از پیامبر تو می باشد .

ابوحنیفه گفت: یا ابا عبدالله آیا برای خدا شریک قرار دادی؟ حضرت صادق (ع) فرمود: وای بر تو، خدای تعالی که در سوره توبه آیه ۷۴ می فرماید وما نقموا الا ان اغنهم الله و رسوله من فضله - آنها (کافران) بجای شکر گزاری از فضل خدا و رسولش که آنها را بی نیاز کردند در مقام انتقام بر آمدند.

در سوره توبه آیه ۵۹ می فرماید: و لو انهم رضوا ما آتاهم الله و رسوله و قالوا حسبنا الله سیوتینا الله من فضله و رسوله - و اگر آنها به آنچه خدا و پیامبرش (از صدقات) به آنها داده راضی می شوند و می گفتند آنچه خدا و پیامبرش از فضل خود به ما داده ما را بس است (بهتر بود) ابوحنیفه گفت: به خدا قسم مثل اینکه تا کنون این دو آیه را در قرآن نخوانده بودم و نه تا به حال نشنیده بودم. امام صادق (ع) فرمود: بلی من این دو آیه را خوانده ام و شنیده ام ولی خدای تعالی در باره تو و امثال تو این دو آیه را نازل فرموده ۱- سوره محمد آیه ۲۴- ام علی قلوب اقفالها - یا اینکه بر دلهای آنها قفل زده شده است. ۲- سوره مطففین آیه ۱۴- کلاً بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون- چنین نیست بلکه ظلمت و ظلم و بد کاریشان بر آنها غلبه کرده است. (بحار الانوار)



۴۷ ص ۲۴۰- به نقل از کنزالفوائد کراچکی ص ۱۹۶) امام جعفر صادق (ع) از ابو حنیفه پرسید: مرد ضعیف تر است یا زن؟

او گفت زن ضعیف تر است.

امام (ع) فرمود چرا زن که ضعیف تر است در ارث یک سهم می برد و مرد دو سهم می برد علتش این است که زن واجب النفقه مرد است ولی نفقه مرد بر زن واجب نیست. امام (ع) فرمود: چرا زن هنگامی که آبستن می شود حیض نمی بیند؟

ابوحنیفه گفت نمی دانم.

امام (ع) فرمود: از این رو خون حیض بند می آید که خدای تعالی آن خون را غذای فرزند قرار می دهد. امام صادق (ع) فرمود: اخبرنی عن قول الله و قدرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و ایاما آمنین - سوره سبا آیه ۱۸ خبر داده مرا از معنی این قول خدا که می فرماید و مقدر فرمودیم در آن سیر کردن را سیر کنید در آن شبها و روزها در حالیکه ایمن باشید. این مکان کدام موضع است؟

ابو حنیفه گفت ما بین مکه و مدینه است.

امام صادق (ع) روی با حاضران کرد و فرمود شما را به خدای سوگند می دهم که آیا در میان مکه و مدینه سیر نموده اید و حال اینکه بر خون خویش از کشته شدن و بر اموال خود از راهزنان ایمن نبوده اید پس از آن امام صادق (ع) فرمودند خبر ده مرا از قول خدای تعالی و من دخله کان آمنا - سوره آل عمران آیه ۹۷ - و هر کسی درون آن شد ایمن است کدام موضع است؟

ابو حنیفه گفت این مکان بیت الله الحرام است.

آن حضرت با حاضران فرمود: سوگند میدهم شما را به خداوند آیا میدانید که عبدالله بن زبیر و سعید بن جبیر داخل بیت الله شدند و از کشته شدن ایمن نشدند. کتاب عوالم شیخ علی بحرانی جلد ۲۰/۱ - ص ۴۹۵ - ابوبکر حضری می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم جواب این دو سوال که از ابوحنیفه نمودید چیست؟ امام (ع)



فرمود آیه سیروا فیها لیالی و ایاما آمنین - در زمان قائم ما اهل بیت است و من دخله کان آمنا پس هر کس با حرت قائم (عج) بیعت کند و بر او داخل شود و دست او را مسح نماید و در میان اصحاب او داخل شود او در امان است.

ابو حنیفه بر امام صادق (ع) وارد شد و به حضرت عرض کرد من پسر موسی را دیدم در حالی که نماز می خواند و مردم از جلوی او عبور می کردند و او مردم را از این کار نهی نمی کرد پس نماز او ایراد دارد.

امام (ع) به ابو حنیفه فرمود: موسی را بخوان نزد من بیاید پس چون موسی نزد حضرت آمد امام (ع) فرمود ای پسرم ابو حنیفه می گوید تو نماز میخواندی و مردم از مقابل تو می گذشتند و تو آنها را نهی نمی کردی.

موسی بن جعفر (ع) گفت: بلی ای پدر کسی که من برای او نماز می خوانم از مردم به من نزدیکتر است. خدای تعالی در قرآن می فرماید (سوره ق آیه ۱۶) نحن اقرب الیه من جبل الوریث - و ما از رگ گردن به او نزدیک تر هستیم.

امام صادق (ع) موسی بن جعفر (ع) را به خودش چسباند و فرمود: پدر و مادرم فدای تو ای نگهدارنده اسرار.

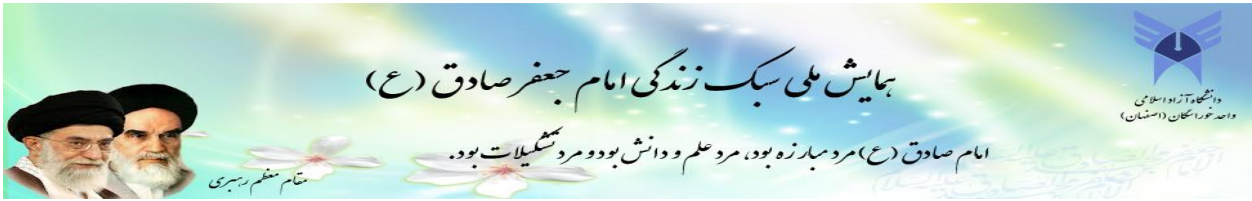
(شیخ مفید، ص ۱۸۹)

ابو حنیفه از امام صادق (ع) سوال کرد: فدایت شوم به من خبر ده از قول خدای عزّ و جلّ - سوره تکاثر آیه ۸ ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم. حضرت فرمود نظر تو در باره این آیه چیست؟ (در روز قیامت از نعیم پرسیده می شوید آن نعیم چیست؟)

ابو حنیفه گفت: ۱- امنیتی که شخص دارد ۲- از سلامتی بدن ۳- از غذایی که به او داده شده است.

حضرت (ع) فرمود: ای ابوحنیفه اگر خدا در روز قیامت تو را نگه دارد یا بازداشت کند و از تمامی غذاهائی که خوردی و از تمامی نوشیدنی هائی که نوشیدی سوال کند چقدر ایستادن تو طول می کشد.

ابوحنیفه گفت فدایت شوم پس مقصود از نعیم چیست؟



امام (ع) فرمود: مقصود از نعیم ما اهل بیت هستیم که خدا بوسیله ما مردم را از گمراهی نجات می دهد و بواسطه ما آنها را از کوری گمراهی بینا میکند و بوسیله ما از جهل آنها را بیرون و علم به آنها می آموزد. (عوامل امام جعفر صادق (ع) ج ۲۰/۱ ص ۴۹۹)

عبدالکریم بن عتبه می گوید روزی در مکه نزد امام صادق (ع) بودم که گروهی از معتزله مانند عمرو بن عبید و واصل بن عطا و حفص بن سالم و جماعتی از رؤسای آنها پس از کشته شدن ولید خلیفه بنی مروان خدمت حرت آمدند و خیلی بحث کردند و کلام به درازا کشید امام صادق (ع) فرمود: سخن بسیار گفتید یکی را انتخاب کنید تا از جانب شما سخن بگوید پس عمرو بن عبید انتخاب شد و گفت اهل شام خلیفه خود را کشتند و ما می خواهیم با محمد بن عبدالله بن حسن بیعت کنیم و به جنگ و جهاد پردازیم و بسیار مایل هستیم که عقیده خود را به شما عرضه کنیم زیرا ما بسیار به شما نیازمندیم و آن به جهت فضل شما و بسیاری شیعیان شما می باشد.

امام صادق (ع) فرمود: آیا رای همه شما همان است که عمرو بن عبید گفت؟
همه گفتند آری.

امام صادق (ع) فرمود: ای عمرو آیا امت قلاده حکومت خود را بر گردن تو انداخته که هر که را می خواهی به ولایت برسانی.

عمرو گفت: من خلافت را در شورائی میان مسلمین قرار می دهم.

امام (ع) فرمود: میان فقیهان و اهل خیرشان.

عمرو گفت آری.

حضرت صادق (ع) فرمود: میان قریش و غیر آنان؟ میان عرب و عجم؟

گفت آری.



امام جعفر صادق (ع) فرمود بگو بینم ای عمر آیا ابوبکر و عمر را می پذیری یا از آندو تبری می جستی برای تو جایز بود که خلافشان رفتار کنی و گر نه با آندو مخالفت کرده ای زیرا عمر بدون هیچ مشاوره ای خلافت را به ابوبکر داده و با او بیعت نمود سپس ابوبکر نیز بدون مشورت خلافت را به عمر داد سپس عمر آن را به شورا میان شش نفر نهاد . و احدی از انصار جزء این شش نفر از قریش را در آن راه نداد ، سپس سفارشی میان مردم کرد که من فکر نکنم نه تو و نه اصحاب از آن خوششان بیاید .

عمر و گفت : عمر چه کرد؟

امام (ع) فرمود به صهیب دستور داد تا سه روز نماز را بر مرد اقامه کند و فقط این شش نفر مشاوره کنند ، جز عبدالله بن عمر که حق مشاوره با او دارند ولی او رای و نظر ندارد و به جماعت حاضر از مهاجر و انصار گفت : اگر پس از گذشت سه روز آن شش نفر از کار فارغ نشدند همه را گردن زنید و اگر چهار تن از ایشان پیش از گذشت سه روز اجماع کردند و دو نفر مالف بودند گردن دو نفر زده می شود آیا شما حاضرید امر خلافت را بنا به رای عمر اینگونه به شورا میان مسلمانان قرار دهید ؟ گفتند نه حاضر نیستیم.

امام (ع) فرمود : ای عمرو دست از اینکار بردار ، فکر میکنی اگر با محمد بن عبدالله بن حسن بیعت کنی و تمام امت بر اینکار اجتماع کنند و پس از آن کارتان به مسئله مشرکین نامسلمانی که جزیه نمی دهند بکشد آیا نزد تو و نزد اصحاب صاحب علمی است که همانند رسول خدا (ص) در باره مشرکین در جزیه رفتار کند . گفتند آری .

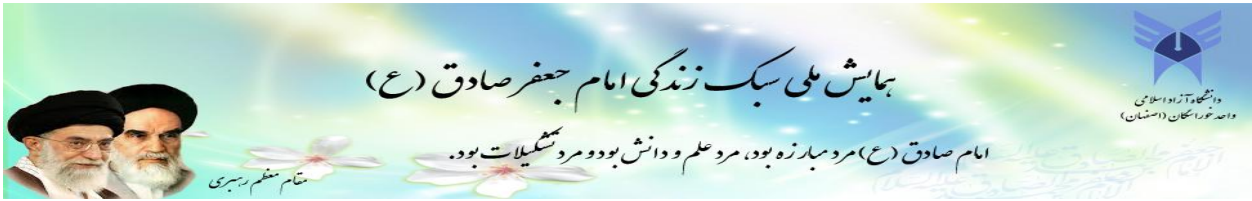
امام (ع) فرمود : پس چه می کنید.

گفتند ابتدا ایشان را به اسلام می خوانیم و گر نه آنان را امر به پرداخت جزیه می کنیم.

حضرت (ع) فرمود: اگر مجوس و اهل کتاب بودند چه؟

گفتند هر چند مجوس بوده و اهل کتاب باشند.

امام (ع) فرمود: اگر بت پرست و بندگان آتش و حیوانات بوده و اهل کتاب نبودند چه ؟



گفتند: فرقی نمی کند همه یکسانند.

امام (ع) فرمود: آیا از قرآن خبر داری؟

عمرو گفت آری.

حضرت فرمود: در سوره توبه آیه ۲۹ خدای تعالی بین اهل کتاب و سایر مشرکین فرق گذاشته است آنگاه شما

فرق نمی گذارید؟

گفتند آری.

حضرت (ع) فرمود از که این مطلب را گرفته ای؟

عمرو گفت از مردم شنیده ام که آنرا می گویند.

حضرت (ع) فرمود: از این مطلب چشم پوشی می کنیم اگر جزیه ندادند و بر آنها غالب شدی با غنیمت چه می

کنی؟

گفت خمس آنرا خارج و بقیه چهار پنجم را میان جنگجویان تقسیم می کنم.

حضرت فرمود: با سیره رسول خدا مخالفت نموده ای زیرا اجتماع فقهای مدینه می گویند رسول خدا با اعراب

مصالحه کرد به شرطی که آنان را در سرزمینهای خودشان رها سازند و اینان نیز هجرت نکنند و در صورت

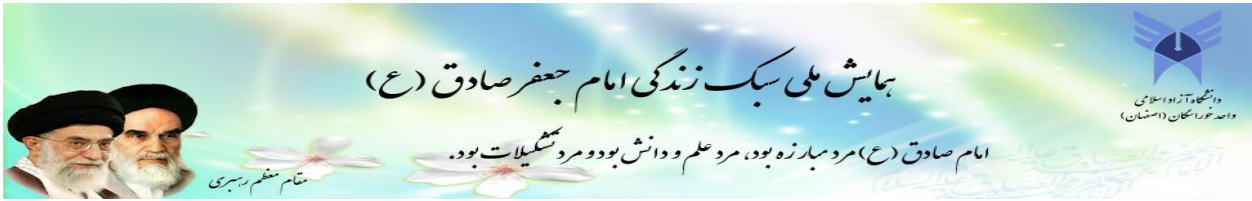
جنگ به کمک آن حضرت آمده و همراه او بجنگند و هیچ غنیمتی بدیشان نرسد و تو (برضد رسول خدا)

میگویی میان همه شان تقسیم می کنم.

حضرت (ع) فرمود نظرت در مورد صدقه (زکات) چیست؟

عمرو آیه ۶۰ سوره توبه که هشت گروه اهل زکات را نام میبرد خواند.

امام (ع) فرمود چگونه زکات را میان آنها تقسیم می کنی؟



بهایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری



عمرو گفت آنها را هشت قسمت می کنم و هر قسمت را به گروهی می دهم .

امام (ع) فرمود اگر گروهی ده هزار نفر بودند و گروهی یک نفر بود به ده هزار نفر و یک نفر مساوی می دهی؟
گفت آری.

وووووووووو

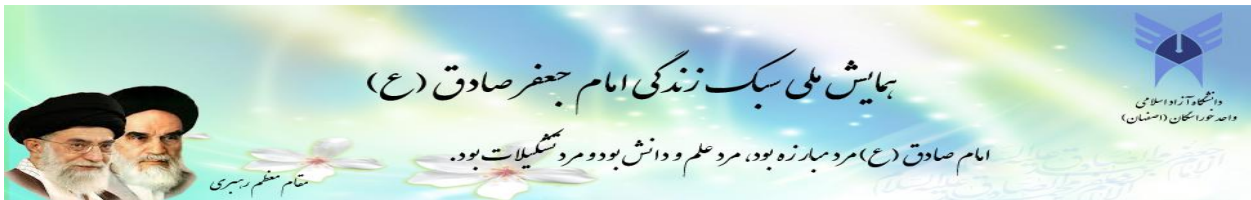
حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود: در تمامی موارد با سیره رسول خدا مخالفت کردی. ای عمرو از خدا بترس زیرا رسول خدا (ص) فرمود: هر که بر مردم شمشیر کشیده و ایشان را سوی خود بخواند در حالیکه میان مسلمانان دانتر از او باشد یک چنین فردی گمراه و زورگوست. والسلام

شیوه مناظرات پیامبران الهی و امامان معصوم (ع) و فاطمه زهرا (س) و توقیات حضرت صاحب الزمان (عج) که روش مناظره دارد هر انسان منصف دور از عناد و تعصب را به دین مقدس اسلام (که حقیقت اعلای آن در شیعه اثنا عشری جلوه گر گشته است) جذب می نماید. (عوامل امام جعفر صادق (ع) ، صص ۵۰۶ تا ۵۰۹ جعفری ، صص ۲۷۶ تا ۲۸۵)

نتیجه گیری:

امام صادق (ع) به دلیل علم خدادادی که داشت مانند جدش و پدرانیش برای مناظره با کسانی که حقایق را نمی پذیرفتند یا در پذیرش حقیقت ها مشکل داشتند شیوه هایی را انتخاب می کرد که هم معقول بودند وهم علم ناقص بشر قدرت درک آنها را داشت و در این مناظراتی که در مقاله ی حاضر ذکر گردیده است به روشنی می توان به این مطلب پی برد.

منابع و مأخذ:



۱. اربلی ، کشف الغمّه فی معرفه الائمه ، ج ۲ ، ص ۳۰۸
۲. دمیری ، الکبری ، حياه الحيوان ج ۲ ، ص ۴
۳. شیخ مفید ، کتاب اختصاص ص ۱۸۹ به نقل از کافی ج ۳ ص ۲۹۷
۴. طبرسی ، احتجاج ، جلد ۱ صفحه ۶ ، ج ۲ ، صص ۱۹۱-۱۹۰
۵. طبرسی ، احتجاج ، ترجمه بهزاد جعفری ج ۲ ص ۲۷۶ تا ۲۸۵ ، کتاب عوالم امام جعفر صادق (ع) ج ۲۰/۱ ص ۵۰۶ تا ۵۰۹
۶. همان ، ج ۱ ص ۱۸۷
۷. کراچکی ، بحار الانوار ج ۴۷ ص ۲۴۰- به نقل از کنز الفوائد ص ۱۹۶
۳. مازندرانی ، ملا صالح ، شرح اصول کافی ، ج ۳ ، ص ۵
۷. ناسخ التواریخ ، ج ۲ ، صص ۱۷۰-۱۶۵